

الآثار الشرعية المترتبة على فترة الحمل في المذاهب الإسلامية

محمد حسن القاسمي*

سيد أبو القاسم الحسيني الزبدي**، علي النصراتي***

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠٣/١١ تاريخ القبول ١٤٠٠/٠٧/٢٩ هـ ش]

ملخص القول

عنوان "فترة الحمل" ورد في كتب الفقه وهو موضوع أحكام وحقوق كثيرة. اعتبر الفقهاء إستشهاداً بالقرآن والأحاديث وإجماع الأمة أن الحد الأدنى لها هي ستة أشهر، ولكن هناك اختلاف كبير في الحد الأعلى لتلك الفترة. أن لحد الأدنى والأكثر لهذه المدة أثر كبير في بعض الأحكام والفروع في أبواب النكاح والطلاق واللعان والوصية والإرث والحدود والقصاص. قام المقال الحالي على أساس أسلوب المسئلة الموضوعية، ومنهج التوصيفي والتحليلي، بعرض الآثار الشرعية المترتبة على مدة الحمل في المذاهب الإسلامية وتقديم توثيقاتها. في هذا المقال وبعد ذكر معاني "الحمل" و"الجنين" و"الحبي" اللغوية والمصطلحة باختصار، سيبحث عن آثار الشرعية لفترة الحمل في الأحوال الشخصية في الزواج والعدة والميراث والنفقة، والآثار الشرعية لفترة الحمل في الأحكام الجزائية على ثلاثة أجزاء وهي الحدود والديات والقصاص.

كلمات مفتاحية: الحمل، الحبل، فترة الحمل، الآثار، الآثار الشرعية، المذاهب الإسلامية.

* الأستاذ المساعد في قسم الفقه وأصول القانون، جامعة رضوي للعلوم الإسلامية، مشهد، إيران (الكاتب المسؤول).

** الأستاذ المساعد في قسم الفقه وأصول القانون، جامعة رضوي للعلوم الإسلامية، مشهد، إيران.

*** الأستاذ المساعد في قسم الفقه وأصول القانون، جامعة رضوي للعلوم الإسلامية، مشهد، إيران.

مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی

«مقاله پژوهشی»

سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱، ص ۱۱۶-۱۳۳

آثار شرعی مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامی

محمدحسن قاسمی*

سید ابوالقاسم حسینی زیدی،** علی نصرتی***

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۲۹]

چکیده

عنوان «مدت حمل» در کتاب‌های فقهی مطرح می‌شود و موضوع احکام و حقوق بسیاری قرار می‌گیرد. اقل این مدت را فقیهان، با استناد به قرآن و روایات و اجماع امت، شش ماه دانسته‌اند، ولی در اکثر آن مدت اختلاف فراوانی وجود دارد. مقدار حداقل و حداکثر مدت حمل در پاره‌ای از احکام و فروع نکاح، طلاق، لعان، وصیت، میراث، حدود و قصاص تأثیر فراوان دارد. نوشتار حاضر به سبک مسئله‌محور، به صورت توصیفی تحلیلی در صدد است آثار شرعی مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامی را مطرح کند و مستنداتش را پیش نهد. در این جستار بعد از بیان معانی «حمل»، «جنین» و «حبی» در لغت و اصطلاح به اختصار، آثار شرعی مدت حمل در احوال شخصیه در نکاح، عده، میراث و نفقه و آثار شرعی مدت حمل در احکام جزائی، در قالب سه بخش حدود، دیات و قصاص بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حمل، حبل، مدة الحمل، بارداری، آثار، آثار شرعی، مذاهب اسلامی.

* استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
ghasemi@razavi.ac.ir

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران hoseini.zeydi@razavi.ac.ir

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران nosrati@razavi.ac.ir

مقدمه

از جمله مسائلی که فقهای شیعه و اهل سنت درباره آن در کتابهای فقهی بحث کرده‌اند، احکام اولاد و مدت حمل است. با توجه به اینکه این مسئله به گونه‌ای خاص به پاکی مولود و ناپاکی‌اش پیوند دارد، این بحث را به شکل دقیقی ارزیابی کرده‌اند. این مبحث از آن جهت که دارای ابعاد فردی و اجتماعی است، در پاره‌ای از دیگر ابواب فقه، تأثیرگذار است. فقیهان، به مناسبت‌های گوناگون، در احکام زوجیت و اولاد و فرع‌های بسیار آن در کتاب نکاح، طلاق، لعان، میراث و حدود و ... از آن بحث کرده‌اند. پرسش اصلی نوشته حاضر این است که: مدت حمل در مذاهب اسلامی چقدر است؟ و آثار شرعی مترتب بر دیدگاه‌های مختلف مطرح درباره مدت حمل چیست؟

درباره موضوع محل بحث، اثر مکتوب مستقیمی یافت نشد، اما غیرمستقیم در ضمن موضوعات دیگر بحث شده است. همان‌گونه که از قدیم‌الایام در تمام کتب فقهی و روایی مطالب و مباحثی مربوط به این موضوع وجود دارد؛ البته در اهل سنت رساله دکترایی با عنوان «احکام مرأة الحامل» نوشته شده که در ضمن احکام زن باردار چندین صفحه به بررسی مدت حمل در مذاهب اهل سنت هم پرداخته است؛ همچنین، مقاله‌ای با عنوان «مدت بارداری از نگاه مذهب‌های فقهی» خلاصه‌ای در این موضوع مطرح کرده، ولی وارد مبحث آثار شرعی مترتب بر مدت حمل نشده است که نوآوری این مقاله در همین زمینه است. در این جستار، آثار شرعی مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامی بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. حمل

جوهری و طریحی می‌نویسند: «ابن سکیت گفت که حَمَل آن است که در شکم و بر درخت باشد و حِمْل آن است که بر سر یا بر دوش باشد» (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۶۷۶/۴؛ طریحی، ۱۴۱۶: ۳۵۵/۵). برخی هم گفته‌اند: «حمل یک معنا دارد که در چیزهای بسیار به کار می‌رود؛ فعل آن در همه یکی است ولی در مصدر آن فرق گذاشته به اشیایی که در ظاهر حمل می‌شوند مثل باری که بر دوش گیرند حِمْل گفته‌اند و به اشیایی که در باطن

حمل می‌شوند مثل فرزند در شکم، آب در ابر، میوه بر درخت، حمل گفته‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۵۷؛ واسطی حسینی، ۱۴۱۴: ۱۶۸/۱۴؛ نیز نک: ازهری، ۱۴۱۹: ۹۳). در نتیجه حمل به چیزی گفته می‌شود که حمل شود، خواه بر پشت باشد، خواه بر سر، خواه در شکم و خواه متصل باشد یا منفصل.

اما درباره معنای اصطلاحی «حمل»، صدر می‌گوید انسان مادامی که در رحم مادرش است از زمان تلقیح تا زمان ولادت به او «حمل» گفته می‌شود (صدر، ۱۴۲۰: ۴۹۸/۸). برخی دیگر هم گفته‌اند فرزند داخل رحم را حمل گویند (شرتونی، ۱۴۲۷: ۲۳۲/۱؛ حنبلی، ۱۳۱۹: ۱۵۳). در نتیجه، «حمل» در اصطلاح فقه به همان فرزند داخل رحم گفته می‌شود.

۱.۲. حبل

«حَبْل» به معنای بارداربودن و «حَبْلِي» زن آبستن است (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۲۸/۳). در بسیاری از روایات «حبل» به جای «حمل» به کار برده شده است (نک: ابن‌حنبلی، ۱۴۰۵: ۸۰/۲؛ شافعی، ۱۴۱۰: ۶۵/۳)، چنانچه در روایات متعددی از «حامل» به «حَبْلِي» تعبیر شده است، از جمله، از امام صادق (ع) پرسیدند: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ طَلَّقَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَبْلِي وَ كَانَ فِي بَطْنِهَا اثْنَانِ فَوَضَعَتْ وَاحِدًا وَ بَقِيَ وَاحِدٌ فَقَالَ تَبَيَّنُ بِالْأَوَّلِ وَ لَا تَحِلُّ لِلزَّوْجِ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا؛ مردی زنش را طلاق داد در حالی که او حبلی، یعنی حامله، بود و در شکم او دو بچه. یکی را وضع کرد و بچه دیگر هنوز متولد نشده است. امام (ع) فرمودند: با وضع اوّل از عده خارج می‌شود ولی ازدواج نکند تا بعدی هم به دنیا بیاید» (طوسی، ۱۴۰۷ ب: ۷۳/۸).

۱.۳. اقل و اکثر مدت حمل

عنوان «مدت حمل» در کتاب‌های فقهی مطرح می‌شود و موضوع احکام و حقوق بسیاری قرار می‌گیرد. درباره اقل مدت حمل در بین علما و فقهای شیعه و اهل سنت نیز اختلافی وجود ندارد و همه اقل مدت حمل را شش ماه می‌دانند. سخن خداوند متعال که می‌فرماید: «وَ حَمْلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا؛ و حمل او و جداشدنش سی ماه است» (احقاف: ۱۵)، به همراه این سخن که: «وَ فِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ؛ جداشدنش در دو سال است» (لقمان: ۱۴) بر آن دلالت می‌کند که اقل مدت حمل، شش ماه است. زیرا ترکیب

آثار شرعی مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامی / ۱۱۹

دو آیه این است که حملش شش ماه است. چون باقی مانده سی ماه بعد از دو سال شیردادن، شش ماه است (نک: بحرانی، ۱۴۰۵: ۵/۲۵؛ کاسانی، ۱۴۲۴: ۴۸۰/۴؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۱۰/۳۴؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۲: ۱۳۱/۱۰؛ ابن قدامة، ۱۴۱۷: ۲۳۱/۱۱).

اخبار هم دلالت بر همین شش ماه دارد (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۱/۵، ح ۱؛ صدوق، ۱۴۱۳: ۳۰۳/۳؛ مالک ابن انس، ۱۴۰۶: ۱۲۰/۵؛ حمیری، ۱۴۰۳: ۳۴۹/۷، ح ۱۳۴۴۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۴۰/۶؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۴۲/۷). دیگر دلیل علمای اسلام که برای اثبات شش ماه به عنوان اقل حمل به آن استدلال کرده‌اند اجماع است (نک: نجفی، ۱۳۶۲: ۲۲۴/۳۱؛ ذهلی شیبانی، ۱۴۲۳: ۲۰۳/۲؛ ابن عبدالبر قرطبی، ۱۴۲۱: ۳۲۹/۱؛ ماوردی، ۱۴۱۹: ۲۰۴/۱۱).

اما بر اساس دیدگاه مشهور بین فقیهان امامیه (ابن حمزه، ۱۴۰۴: ۱۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۴۱۲/۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ الف: ۶۵۰/۳؛ مفید، ۱۴۱۳: ۵۳۹) و ظاهریه (نک: قرطبی، ۱۴۲۵: ۴۵۶/۴؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۲: ۳۱۷/۱۰؛ ابن عبدالبر قرطبی، ۱۴۲۱: ۱۷۰/۷) و بعضی از مالکیه (نک: شوکانی، ۱۴۱۸: ۳۹۹/۱؛ قرطبی، ۱۴۲۵: ۴۵۶/۴) حداکثر مدت حمل نه ماه است؛ البته ده ماه (حلی، ۱۴۰۸: ۳۴۰/۲؛ عمیدی، ۱۴۱۶: ۵۲۵/۲؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۹۰/۵) و یک سال (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۱۵۴؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۳۱۴) هم گفته شده است.

ولی در بین فقیهان اهل سنت به شدت درباره این موضوع اختلاف نظر وجود دارد، به گونه‌ای که برخی یک سال (نک: کاسانی، ۱۴۲۴: ۴۸۰/۴؛ ابی‌یعلی، ۱۴۰۵: ۲۱۴/۲؛ افندی، ۱۳۹۸: ۴۸۲/۱) و برخی دو سال (نک: کاسانی، ۱۴۲۴: ۴۸۰/۴؛ دمشقی، ۱۴۱۲: ۵۴۰/۳؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۴: ۱۰۴/۲؛ مرداوی، ۱۴۱۸: ۲۷۴/۹؛ برهان‌الدین، ۱۴۱۸: ۷۵/۷؛ ملطی، ۱۴۰۲: ۳۱۸/۱) و برخی سه سال (نک: عیاض بن موسی، ۱۴۰۵: ۱۱۱/۱؛ ابن حزم اندلسی، ۱۴۰۲: ۳۱۷/۱۰) و برخی چهار سال (نک: مزنی، ۱۴۲۰: ۲۲۴؛ واحدی، ۱۴۱۵: ۱۰۷/۲؛ ابی‌یعلی، ۱۴۰۵: ۲۱۴/۴؛ بیهقی، ۱۴۲۴: ۴۴۳/۷؛ دارقطنی، ۱۴۲۴: ۳۲۲/۳؛ ابن قدامة، ۱۴۱۷: ۲۳۲/۱۱) و حتی پنج سال (نک: جزیری، ۱۴۱۹: ۶۲۴/۴؛ قرافی، ۱۴۲۹: ۲۲۳/۳ و ۲۲۴) و شش سال (نک: ابن قدامة، ۱۴۱۷: ۲۳۳/۱۱) و هفت سال (نک: ابن عبدالبر قرطبی، ۱۴۲۱: ۱۱۰/۷؛ قرافی، ۱۴۲۹: ۲۲۳/۳ و ۲۲۴) گفته‌اند و برخی هم گفته‌اند برایش حدی نیست (نک: زیلیعی، ۱۳۱۳: ۴۵/۳؛ عمرانی، ۱۴۲۱: ۱۲/۱۱؛ ابن قدامة، ۱۴۱۷: ۱۲۱/۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۸۷/۹؛ شوکانی، ۱۴۱۸: ۳۹۹/۱).

۲. آثار شرعی مدت حمل در احوال شخصیه

۲.۱. تأثیر مدت حمل در نکاح

یکی از مهم‌ترین آثار مدت حمل الحاق فرزندان به پدر است که هم در روایات به آن پرداخته شده و هم در مباحث علمی و فقهی توجه ویژه‌ای به آن شده است. از باب نمونه جمیل نقل می‌کند که یکی از دو امام (ع) فرمودند: «در مورد زنی که در عده ازدواج کرده از همدیگر جدا شوند و برای هر دو یک عده نگه دارد و اگر شش ماهه یا بیشتر زایمان کرد فرزند ملحق به شوهر آخری می‌شود و اگر قبل از شش ماه زایمان کرد فرزند ملحق به شوهر قبلی می‌شود» (طوسی، ۱۴۰۷ ب: ۳۰۹/۷، ح ۴۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱۷/۱۵، ح ۱۳). در *قواعد الاحکام* فصلی به الحاق فرزندان به پدر اختصاص یافته است. حلی می‌نویسد:

در ازدواج دائم با سه شرط اولاد به پدر ملحق می‌شود: شرط اول اینکه، باید دخول انجام گرفته باشد؛ شرط دوم اینکه، کمترین مدت حمل، که شش ماه است، از زمان دخول سپری شده باشد؛ شرط سوم اینکه، از بیشترین مدت حمل نگذشته باشد؛ پس اگر این سه شرط نباشد، یعنی دخول نشده باشد یا ولادت قبل از شش ماه باشد از زمان وطی یا اکثر مدت حمل گذشته باشد، الحاقش جایز نیست و نفی می‌شود بدون لعان (حلی، ۱۴۱۳: ۹۸/۳).

شریف مرتضی درباره فایده بحث می‌گوید: «فایده حد قراردادن برای اکثر حمل این است که اگر مردی همسرش را طلاق دهد و بعد فرزندی از او متولد شود و بیشتر از اکثر مدت حمل گذشته باشد فرزند به او ملحق نمی‌شود» (سید مرتضی، ۱۴۱۵: ۳۴۶). همچنین، قرطبی در *بدایه المجتهد* می‌نویسد:

محل اتفاق است که اگر فرزندی در کمتر از مدت اقل حمل، که شش ماه است، متولد شود ملحق به فراش نمی‌شود، ولی در طول زمانی که ملحق می‌شود اختلاف است؛ مالک می‌گوید پنج سال و بعضی از اصحابش می‌گویند هفت سال و شافعی می‌گوید چهار سال، و کوفیان می‌گویند دو سال، و محمد بن حکم می‌گوید یک سال، و داوود می‌گوید شش ماه؛ و در این مسئله رجوع

به عادت و تجربه می‌شود و قول ابن حکم و ظاهریه نزدیک‌تر به عادت است و حکم همانا واجب است بر عادت باشد نه بر نمونه نادر؛ و شاید بر نمونه نادر مستحیل باشد (قرطبی اندلسی، ۱۴۲۵: ۴۳۸/۵).

۲.۲. تأثیر مدت حمل در عده

یکی دیگر از آثار مدت حمل اثرگذاری آن در بحث عده است که خانم بعد از طلاق یا فوت شوهر در صورت بارداربودن باید چه مقدار عده نگه دارد که این اثر بسیار مهم است و هم در آیات و روایات به آن پرداخته شده و هم در تقریرات و سخنان صاحب‌نظران در فقه اسلامی. درباره اینکه عده زن باردار به وضع حملش است شکی نیست. زیرا در آیات و روایات به آن پرداخته شده است. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ و زنان حامله مدت عده‌شان تا وقت زاییدن است» (طلاق: ۴). در این خصوص روایات متعدد و بلکه متواتری وجود دارد (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۱/۶، ح ۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۴۶/۲۲) که به چند نمونه اکتفا می‌کنیم: «اسماعیل جعفری از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمودند: طلاق زن باردار یکی است و چنان است که چون بار بنهد (عده‌اش تمام شده) و از مرد جدا گشته است و باین شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۱/۵، ح ۶).

اما راجع به عده وفات، در بخشی از آن بین مذاهب اسلامی اتفاق نظر وجود دارد و در بخشی دیگر اختلاف نظر:

الف. درباره عده وفات زنی که حامله نباشد مذاهب اسلامی اتفاق دارند که چهار ماه و ده روز است، خواه صغیره باشد یا کبیره یا نئسه، یا غیر نئسه مدخوله باشد یا غیر مدخوله، به سبب قول خداوند که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجاً يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا؛ و مردانی که بمیرند و زانشان زنده مانند، آن زنان باید از شوهرکردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد (و عده نگه دارند)» (بقره: ۲۳۴).

ب. اما درباره عده حامل بین مذاهب اهل سنت با مذهب امامیه اختلاف وجود دارد: «مذاهب اهل سنت می‌گویند زن حامله‌ای که شوهرش فوت کرده است عده‌اش به

وضع حملش است ولو اینکه یک لحظه بعد از وفات شوهرش باشد و ازدواج برای او حلال است ولو هنوز شوهرش را دفن نکرده باشند؛ و استدلالشان هم به این آیه شریفه است که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق: ۴) (مغنیه، ۱۴۲۱: ۴۳۳/۲). اما امامیه می‌گویند زن حامله‌ای که شوهرش فوت کند باید طولانی‌ترین عده را نگه دارد. یعنی اگر قبل از چهار ماه و ده روز وضع حمل کرد باید چهار ماه و ده روز را عده نگه دارد و اگر بعد از چهار ماه و ده روز باشد باید صبر کند تا وضع حمل کند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳۲/۴؛ شهید ثانی، بی‌تا: ۳۹۵/۷؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۸۶/۳۰).

ایشان برای اثبات مدعا چنین استدلال کرده‌اند که ضرورت جمع بین دو آیه ۲۳۴ سوره بقره^۱ و آیه ۴ سوره طلاق^۲ چنین است. زیرا آیه اول عده را چهار ماه و ده روز قرار داد و اطلاقش، هم حامله و هم غیرحامله را شامل می‌شود؛ و آیه دوم نیز اطلاق دارد و عده زن حامله را وضع حمل می‌داند؛ و هم شامل مطلقه می‌شود و هم شامل کسی که شوهرش فوت کرده باشد. در نتیجه تنافی بین دو آیه راجع به زن حامله‌ای که شوهرش قبل از چهار ماه و ده روز فوت کرده باشد حاصل می‌شود. زیرا به دلیل آیه دوم عده تمام شده است. چون وضع حمل شده است. اما به دلیل آیه اول هنوز عده باقی است. زیرا چهار ماه و ده روز نشده است. همچنین، درباره زنی که از فوت شوهرش چهار ماه و ده روز گذشته، ولی هنوز وضع حمل نکرده نیز دو آیه تنافی دارد. زیرا به دلیل آیه اول عده‌اش تمام شده است. چون چهار ماه و ده روز گذشته است. اما به دلیل آیه دوم عده باقی است. چون وضع حمل نشده است. اقتضای رفع تنافی در این دو آیه و جمع آن دو همان نظر امامیه می‌شود که باید در عده زنی که حامله است و همسرش فوت کرده ابعاد اجلین عده قرار داده شود.

علاوه بر این، روایات متعددی از ائمه (ع) در این زمینه رسیده است، در حدی که در بیشتر کتب روایی بابی به آن اختصاص داده شده است (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۹/۲۲)، از جمله: «حضرت درباره زن بارداری که شوهرش از دنیا رفته فرمودند پایان عده‌اش آخر دو مدت است. یعنی میان چهار ماه و ده روز و وضع حمل باید هر کدام که مدت آن بیشتر است را عده نگه دارد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۴/۶، ح ۲؛ نیز نک: صدوق، ۱۴۱۳: ۵۱۰/۳، ح ۴۷۹۱).

۲.۳. تأثیر مدت حمل در میراث

یکی دیگر از آثار بحث در مدت حمل در باب ارث است که اکثر علما در این زمینه هم مسئله‌ای را به حمل اختصاص داده‌اند. «امامیه معتقدند دو نصیب برای حمل کنار می‌گذاریم از باب احتیاط. و همانا حمل ارث می‌برد به شرط اینکه اولاً زنده متولد شود و همچنین قبل از گذشتن اقل حمل که شش ماه است متولد شود و همچنین از اکثر مدت حمل بعد از وفات مورث تجاوز نکند، اما با اختلافی که در اکثر آن وجود دارد (که خود همین قسمت از آثار بحث ما است) ولی اگر بعد از گذشت اکثر مدت حمل متولد شود ارث نخواهد برد» (مغنیه، ۱۴۲۱: ۵۲۹/۲). ابن‌قدامة نیز می‌نویسد:

حملی که بعد از وفات مورث به دنیا بیاید با دو شرط ارث می‌برد: شرط اول: در زمان وفات مورث حمل در رحم موجود باشد، ولو اینکه نطفه باشد؛ شرط دوم، زنده متولد شود. شرط اول تحقق و وجودش با نظر به مدت حمل مشخص می‌شود؛ پس اگر متولد شود قبل اقل حمل (شش ماه) از زمان فوت مورث پس ارث می‌برد به خاطر علم به وجود حمل در رحم در حین موت مورث و به آن شرط ارث‌بردن محقق می‌شود؛ اما اگر بعد از گذشتن اکثر مدت حمل از حین وفات مورث متولد شود ارث نمی‌برد. چون ولادتش بعد از این مدت دلالت می‌کند بر حدوثش بعد از موت مورث. پس شرط ارث‌بردن محقق نشده است (ابن‌قدامة، ۱۴۱۷: ۳۲۷/۱۲).

شیخ طوسی می‌گوید: «زمانی که مردی فوت کند و ورثه‌ای داشته باشد و زنش هم حامله باشد به اندازه سهم دو پسر توقیف می‌شود و بعد بقیه تقسیم می‌شود» (طوسی، ۱۳۸۷: ۵۲/۳۰). وی در کتاب *الخلاف* در مقام تعلیل می‌گوید: «دلیل ما این است که عادتاً یک زن از دو قلو بیشتر نمی‌زاید و زیاده بر آن خارج از عادت است و برای جایزدانستن آن نیاز به ضمانت است و برای توقیف بیشتر از آنچه عادتاً جاری است نیازمند دلیل هستیم» (همو، ۱۴۰۷ الف: ۱۱۳/۴). در اهل سنت هم، شافعی و مالک می‌گویند:

میراث تقسیم نمی‌شود تا زمانی که وضع حمل صورت پذیرد، مگر اینکه نقصی بر برخی از ورثه وارد کند که در این صورت حق آن وارث زودتر

پرداخت می‌شود و بقیه توقیف می‌شود تا وضع حمل صورت پذیرد؛ و ابویوسف ارث را تقسیم می‌کرد و سهم یک نفر را توقیف می‌کرد و از ورثه ضمانت می‌گرفت و این خوب است و جایز است که ما به آن اعتماد کنیم و شریک سهم چهار نفر را توقیف می‌کرد و این قیاس شافعی است. ابن مبارک از ابوحنیفه چنین قولی را نقل کرده است و لؤلؤی از ابوحنیفه روایت می‌کند که تمام ارث را تا زمان وضع حمل توقیف می‌کرد (ابن قدامة، ۱۴۱۷: ۱۹۵/۷).

۲.۴. تأثیر مدت حمل در نفقه

یکی دیگر از آثار بحث مدت حمل در نفقه زن در دوران بارداری بعد از طلاق یا بعد از وفات شوهر است. زیرا اختلاف در مدت حمل سبب می‌شود شوهر زمان کمتر یا بیشتری را نفقه بپردازد. وجوب نفقه، هم از آیات قرآن و هم از روایات استفاده می‌شود؛ خداوند در سوره طلاق می‌فرماید: «وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٌ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید» (طلاق: ۶). کلینی در کتاب کافی بابی را به این مسئله اختصاص داده است (نک: کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۶، ح ۱) که از باب نمونه فقط به یک روایت اشاره می‌کنیم: «عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که در مورد مردی که همسرش را طلاق می‌دهد در حالی که حامله است، فرمودند: عده او وضع حملش می‌باشد و نفقه او بر شوهرش می‌باشد تا زمانی که وضع حمل کند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۶، ح ۴؛ نیز نک: طوسی، ۱۴۰۷: ۱۳۴/۸، ح ۶۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۱۵، ح ۱).

بنابراین، در اصل اینکه نفقه زن حامله در مدت حاملگی بر شوهر واجب است اختلافی نیست. این مطلب را بحرانی هم بیان می‌کند: «ما ذکره من أنها لو كانت حاملاً لزم الإنفاق عليها حتى تضع و هو مما لا أعرف فيه خلافاً» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۱۲/۲۵). اما درباره اینکه نفقه زن در دوران بارداری بعد از وفات شوهر بر چه کسی است، در نظر فقها و علما و همچنین روایات اختلاف وجود دارد؛ یک دسته از روایات مانند صحیح حلبی در جواب سؤال می‌فرمایند: «لا نفقة لها» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴/۶، ح ۳؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۸، ح ۱۲۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۳۴/۱۵، ح ۲) و در مقابل دسته‌ای دیگر از روایات

می‌فرمایند: «نفقه از مال فرزند داخل رحم پرداخت می‌شود»، مثل روایت ابوصباح کنانی که نقل می‌کند از امام صادق (ع) درباره زنی که حامله است و شوهرش از دنیا رفته پرسیدم که فرمودند: «از سهم میراث فرزند که در شکم دارد هزینه زندگی او را می‌دهند» (طوسی، ۱۴۰۷ ب: ۱۵۲/۸، ح ۱۲۵) و دسته دیگر روایات می‌فرمایند از جمیع مال قبل از تقسیم پرداخت می‌شود، مثل روایت سکونی (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۳۰/۳، ح ۴). این روایات عمومیت دارد و طلاق رجعی و بائن را شامل می‌شود.

قول مشهور در بین قدمای فقیهان شیعه وجوب پرداخت نفقه برای زن حامله از سهم ارثی است که به جنین می‌رسد (طوسی، ۱۴۰۰: ۵۳۸/۱؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۳۱۳/۱؛ ابن‌زهره، بی‌تا: ۳۸۵/۱؛ حلی، ۱۴۱۸: ۴۹۳/۷) ولی بعد از محقق حلی، رأی بیشتر فقهای شیعه نفی وجوب نفقه است (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۴۳۰/۳؛ شهید ثانی، بی‌تا: ۴۵۴/۸؛ طباطبائی، ۱۴۱۹: ۵۴۰/۱۰؛ نجفی، ۱۳۶۲: ۳۲۵/۳۱).

در بین آرای فقهای اهل سنت، بزرگان فقهای حنفی، شافعی و مالکی هر گونه نفقه را از زن باردار نفی کرده‌اند (نک: سرخسی، ۱۴۱۴: ۳۳/۶). حتی ماوردی در این باره ادعای اجماع کرده است (ماوردی، ۱۴۱۹: ۲۵۶/۱۱). ابن‌قدامة در المغنی، که از معتبرترین منابع فقهی حنابله است، پرداخت نفقه به زن از سهم الارث جنین را مسلم و قطعی می‌داند (ابن‌قدامة، ۱۴۱۷: ۲۹۱/۹).

۳. آثار شرعی مدت حمل در احکام جزائی

۳. ۱. تأثیر مدت حمل در حدود

یکی دیگر از آثار شرعی مدت حمل در حدود است و آن اینکه اجرای حد زن باردار، هرچند از راه نامشروع باردار شده باشد، تا هنگام زایمان و رفع عوارضش جایز نیست و پس از زایمان نیز در صورتی حد جاری می‌شود که کسی عهده‌دار شیردادن به کودک شود. به علاوه، چنانچه حیات کودک به نحوی از انحاء به حیات مادر وابسته باشد، اجرای حکم تا برطرف شدن کامل مانع، به تعویق می‌افتد. مجلسی دوم می‌گوید:

بین اصحاب مشهور است که بر حامل اقامه حد نمی‌شود، خواه شلاق‌زدن باشد یا سنگسارکردن؛ پس زمانی که حمل متولد شد، اگر حد شلاق‌زدن باشد

باید صبر کنند تا از نفاس خارج شود. زیرا مریض است. سپس اگر برای فرزند شیردهنده‌ای بود بر او اقامه حد می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۲۳).

همچنین، حلی می‌گوید حد بر زن باردار جاری نمی‌شود تا زمانی که فرزندش به دنیا بیاید (حلی، ۱۴۰۵: ۱۴۳/۴). ابن‌قدامه نیز همین مطلب را در قالب فصلی بیان می‌کند و می‌گوید خلافتی را در این بحث نمی‌دانم و همچنین از ابن‌منذر اجماع اهل علم را نقل می‌کند (ابن‌قدامه، ۱۴۱۷: ۳۲۷/۱۲).

۳. ۲. تأثیر مدت حمل در دیات

یکی دیگر از آثار شرعی مدت حمل^۳ نیز در دیات است که اگر بعد از قصاص معلوم شود که زن باردار بوده، بر اساس مدت حمل و سن جنین پرداخت دیه، واجب و به مقتضای اوضاع بر عهده حاکم یا مجری حکم خواهد بود. همچنین، در صورتی که زن باردار برای جاری کردن حد یا سؤال کردن نزد حاکم شرع بیاید و از سر ترس سقط جنین کند، دیه جنین بر اساس مدت حمل و سن جنین باید پرداخت شود. اما پرسش این است که: دیه حمل (جنین) چه مقدار است؟

۱. دیه جنین بعد از دمیده شدن روح، دیه یک انسان کامل است، چنان‌که از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند: «دیه جنین، زمانی که روح در آن دمیده شود، هزار دینار یا ده هزار درهم است، اگر مذکر باشد؛ و اگر مؤنث بود پانصد دینار است» (طوسی، ۱۳۹۰: ۲۹۹/۴).

۲. جنین زمانی که کامل شده باشد قبل از دمیده شدن روح دیه‌اش صد دینار است، اما قبل از اتمام آن پنج مرحله دارد؛ «از امام صادق (ع) روایت شده که می‌فرمایند: دیه جنین پنج جزء دارد؛ یک‌پنجم آن (بیست دینار) اگر در مرحله نطفه باشد؛ دوپنجم آن (چهل دینار) اگر در مرحله علقه باشد؛ سه‌پنجم آن (شصت دینار) اگر در مرحله مضغه باشد؛ چهارپنجم آن (هشتاد دینار) اگر در مرحله عظام باشد؛ و تمام پنج جزء آن (صد دینار) اگر جنین تمام و کامل شده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۳/۷، ح ۲).

۳. درباره دیه اعضای جنین باید گفت: «دیه اعضای جنین، قبل از دمیدن روح و بعد از آن، نسبت به دیه همان حالت سنجیده می‌شود؛ مثلاً اگر یک دست جنین قبل از

دمیدن روح قطع شود دیه آن پنجاه دینار می‌شود و اگر هر دو دست جدا شود صد دینار؛ و اگر یک دست جنین بعد از دمیده‌شدن روح قطع شود دیه آن پانصد دینار، و اگر هر دو دست جدا شود هزار دینار می‌شود» (حلی، ۱۴۰۵: ۶۰۳).

۳.۳. تأثیر مدت حمل در قصاص

یکی دیگر از آثار شرعی مرتبط با مدت حمل، راجع به قصاص است و آن اینکه هر گونه قصاص زن باردار، هرچند پیش از بارداری مرتکب جنایت شده باشد، تا هنگام زایمان و رفع عوارض آن جایز نیست و پس از زایمان نیز در صورتی قصاص جاری می‌شود که کسی عهده‌دار شیردادن به کودک شود. به علاوه چنانچه حیات کودک به نحوی از انحاء به حیات مادر وابسته باشد، اجرای حکم تا برطرف‌شدن کامل مانع، به تعویق می‌افتد و اختلاف در مدت حمل سبب تأخر یا تقدم قصاص می‌شود. درباره اینکه زن باردار قصاص نمی‌شود اختلافی نیست. زیرا ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) بر آن دلالت می‌کند:

۱. آیات: به دو آیه استدلال شده است:

الف. «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا؛ و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی‌اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکنند، چراکه او مورد حمایت است!» (اسراء: ۳۳). خداوند برای مقتول سلطنت بر قصاص قرار داده، اما از اسراف در قتل منع کرده است. قصاص زن باردار به همراه حمل اسراف در قتل است و نهی شده است (ابن‌قدامة، ۱۴۱۷: ۴۴۹/۹).

ب. «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ کس، عمل (بدی) جز به زیان خودش، انجام نمی‌دهد؛ و هیچ گنهکاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود» (انعام: ۱۶۴). جنایت از حامل صادر شده، و ربطی به حمل ندارد که او نیز قصاص شود.

۲. روایات: از روایات متعددی استفاده می‌شود که باید حد و قصاص زن حامله را تا به دنیا آمدن فرزندش به تأخیر انداخت. از باب نمونه از حضرت علی (ع) روایت

شده است که فرمودند: «لَيْسَ عَلَى الْحُبْلَى حَدٌّ حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۴۱/۱۵، ح ۱۸۸۷۶؛ نیز نک.: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۳۳/۲۲).

۳. اجماع: بر این مطلب نه تنها ادعای اجماع شده، بلکه مرعشی نجفی ادعای اتفاق اهل قبله را مطرح می‌کند: «إتفق أهل القبلة على أن الحامل لا يقتصر منها مادامت حاملاً» (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۴۴۴/۲).

۴. عقل: عقل سلیم نیز بر همین حکم می‌کند و نمی‌پذیرد که فرزند داخل رحم، که هیچ جنایتی از او صادر نشده، کشته شود.

نتیجه

از مهم‌ترین آثار مدت حمل، الحاق فرزندان به پدر است؛ فایده حد قراردادن برای اکثر حمل این است که اگر مردی همسرش را طلاق دهد و بعد فرزندش از او متولد شود و بیشتر از اکثر مدت حمل گذشته باشد فرزند به او ملحق نمی‌شود. اثرگذاری در بحث عده و باب ارث از دیگر آثاری است که بر این مطلب بار می‌شود؛ عده زن باردار مطلقه به وضع حملش است، ولی درباره عده حامل بین مذاهب اهل سنت با مذهب امامیه اختلاف وجود دارد. مذاهب اهل سنت می‌گویند زن حامله‌ای که شوهرش فوت کرده، عده‌اش به وضع حملش است، ولو اینکه یک لحظه بعد از وفات شوهرش باشد، اما امامیه می‌گویند زن حامله‌ای که شوهرش فوت کند باید طولانی‌ترین عده را نگه دارد. یعنی اگر قبل از چهار ماه و ده روز وضع حمل کرد باید چهار ماه و ده روز را عده نگه دارد و اگر بعد از چهار ماه و ده روز باشد باید صبر کند تا وضع حمل کند.

درباره ارث هم امامیه معتقدند دو نصیب برای حمل کنار می‌گذاریم به شرط زنده متولدشدن و گذشتن اقل حمل و عدم تجاوز از اکثر مدت حمل بعد از وفات مورث؛ در اهل سنت هم شافعی و مالک می‌گویند میراث تقسیم نمی‌شود تا زمانی که وضع حمل صورت پذیرد.

یکی دیگر از آثار بحث مدت حمل، در نفقه زن در دوران بارداری بعد از طلاق یا بعد از وفات شوهر است. زیرا اختلاف در مدت حمل سبب می‌شود شوهر زمان کمتر یا بیشتری را نفقه بپردازد. در اصل اینکه نفقه زن حامله در مدت حاملگی بر شوهر

واجب است اختلافی نیست، اما درباره اینکه نفقه زن در دوران بارداری بعد از وفات شوهر بر چه کسی است، در نظر فقها و علما و همچنین روایات اختلاف وجود دارد. اما از دیگر مصادیق آثار شرعی مدت حمل، در احکام جزائی مربوط به حدود، دیات و قصاص رخ می‌نمایند؛ اجرای حدّ و قصاص زن باردار، هرچند از راه نامشروع باردار شده باشد، تا هنگام زایمان و رفع عوارضش جایز نیست و پس از زایمان نیز در صورتی حد جاری می‌شود که کسی عهده‌دار شیردادن به کودک شود. همچنین، اگر بعد از قصاص معلوم شود که زن باردار بوده، بر اساس مدت حمل و سن جنین پرداخت دیه، واجب و به مقتضای اوضاع بر عهده حاکم یا مجری حکم خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا؛ و مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند، آن زنان باید از شوهرکردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد (و عده نگه دارند)» (بقره: ۲۳۴).

۲. «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ و زنان حامله مدت عده‌شان تا وقت زاییدن است» (طلاق: ۴).

۳. هرچند این اثر حمل است، ولی با مدت هم مرتبط است.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن تیمیه حرانی، احمد (۱۴۰۴). *المحرر فی الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل*، ریاض: مكتبة المعارف، الطبعة الثانية.
- ابن تیمیه حرانی، احمد (۱۴۱۶). *مجموع الفتاوى*، مدينه: مجمع الملك فهد، الطبعة الاولى.
- ابن حزم اندلسی، علی (۱۴۰۲). *المحلى*، بیروت: دار الفكر، الطبعة الاولى.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۴). *المراسم العلوية والاحکام النبوية*، قم: منشورات الحرمین، الطبعة الاولى.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۰۵). *مسند احمد*، قاهره: مؤسسة قرطبة، الطبعة الثانية.
- ابن زهره، حمزة بن علی (بی تا). *غنية النزوع إلى علمی الأصول والفروع*، محقق: ابراهیم بهادری، قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع).
- ابن عبد البر قرطبی، یوسف بن عبد الله (۱۴۲۱). *الاستدکار*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*، محقق: مجتبی عراقی، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الاولى.
- ابن قدامه، عبد الله (۱۴۱۷). *المغنی*، ریاض: دار عالم الکتب، الطبعة الثالثة.
- ابن منظور إفريقي، أبی الفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*، قم: نشر أدب الحوزة.
- ابی یعلی (۱۴۰۵). *المسائل الفقهية من کتاب الروایتین والوجیهین*، بیروت: مكتبة المعارف، الطبعة الاولى.
- ازهری، محمد (۱۴۱۹). *الزاهر فی غرائب ألفاظ الإمام الشافعی*، بیروت: دار البصائر الإسلامیة، الطبعة الاولى.
- افندی، عبد الرحمن (۱۳۹۸). *مجمع الأنهر*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). *الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، الطبعة الاولى.
- برهان الدین، ابراهیم (۱۴۱۸). *المبدع فی شرح المقنن*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى.
- بیهقی نیشابوری، احمد (۱۴۲۴). *السنن الکبری*، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانية.
- جزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹). *الفقه علی مذاهب الأربعة والمذهب اهل البيت*، بیروت: دار الثقلین، الطبعة الاولى.

آثار شرعى مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامى / ١٣١

جوهري، اسماعيل بن حماد (١٤١٠). *تاج اللغة و صحاح العربية*، بيروت: دار العلم للملايين، الطبعة الاولى.

حر عاملي، محمد (١٤٠٩). *وسائل الشيعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، الطبعة الاولى.

حلي، ابو الصلاح تقى الدين بن نجم الدين (١٤٠٣). *الكافي فى الفقه*، اصفهان: مكتبة الإمام أمير المؤمنين (ع)، الطبعة الاولى.

حلي، جعفر (١٤٠٨). *شرائع الإسلام فى مسائل الحلال والحرام*، قم: مؤسسه اسماعيليان، الطبعة الثانية.

حلي، حسن (١٤١٣). *قواعد الأحكام فى معرفة الحلال والحرام*، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، الطبعة الاولى.

حلي، حسن (١٤١٨). *مختلف الشيعة*، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، الطبعة الاولى.

حلي، يحيى (١٤٠٥). *الجامع للشرائع*، قم: مؤسسة سيد الشهداء العلمية، الطبعة الاولى.

حميرى، ابو بكر (١٤٠٣). *المصنف*، بيروت: المكتب الإسلامى، الطبعة الثانية.

حنبل، منصور بن ادريس (١٣١٩). *كشاف القناع على متن الإقناع*، قاهره: الشرقية، الطبعة الاولى.

دارقطنى، على (١٤٢٤). *سنن دارقطنى*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى.

دمشقى، ابن عابدين (١٤١٢). *رد المختار على الدر المختار*، قم: دار الفكر، الطبعة الثانية.

ذهلى شيبانى، يحيى (١٤٢٣). *اختلاف الأئمة العلماء*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

راغب اصفهاني، حسين (١٤١٢). *مفردات الفاظ القرآن*، دمشق: دار العلم، الطبعة الاولى.

زيلعى، عثمان (١٣١٣). *تبين الحقائق شرح كنز الدقائق*، قاهره: المطبعة الكبرى الأميرية، الطبعة الاولى.

سرخسى، محمد بن أحمد (١٤١٤). *المبسوط*، بيروت: دار المعرفة.

سيد مرتضى، على بن حسين (١٤١٥). *الإتصار فى انفرادات الإماميه*، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، الطبعة الاولى.

سيوطى، جلال الدين (١٤٠٤). *الدر المنثور فى تفسير بالمأثور*، قم: مكتبة آيت الله مرعى النجفى، الطبعة الاولى.

شافعى، محمد بن ادريس (١٤١٠). *الأم*، بيروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى.

شرتونى، سعيد (١٤٢٧). *اقرب الموارد فى فصيح العربية والشوارد*، تهران: دار الاسوة للطباعة والنشر، الطبعة الثانية.

١٣٢ / مطالعات تطبیقی مذاهب فقهی، سال دوم، شماره سوم

شوکانی، محمد (١٤١٨). *السیل الجرار المتدفق على حدائق الأزهار*، ریاض: دار ابن حزم، الطبعة الاولى. شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا). *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

صدر، سید محمد (١٤٢٠). *ماوراء الفقه*، بیروت: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى. صدوق، محمد (١٤١٣). *من لا يحضره الفقيه*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الثانية. طباطبائی، سید علی بن محمد (١٤١٩). *ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الاولى.

طریحی، فخرالدین (١٤١٦). *مجمع البحرين*، تهران: کتاب فروشی مرتضوی، چاپ سوم. طوسی، محمد (١٣٨٧). *المبسوط فی الفقه الإمامیة*، تحقیق: محمد باقر بهبودی، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، الطبعة الثالثة.

طوسی، محمد (١٣٩٠). *الإستبصار فيما اختلف من الأخبار*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد (١٤٠٠). *النهاية فی مجرد الفقه والفتاوى*، بیروت: دار الكتاب العربی، الطبعة الثانية.

طوسی، محمد (١٤٠٧ الف). *الخلاف*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الاولى.

طوسی، محمد (١٤٠٧ ب). *تهذيب الأحكام*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.

عمرانی، یحیی (١٤٢١). *البيان فی مذهب الإمام الشافعی*، جدة: دار المنهاج، الطبعة الاولى.

عمیدی، سید عمید الدین بن محمد (١٤١٦). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة الاولى.

عیاض بن موسی (١٤٠٥). *ترتيب المدارك وتقريب المسالك*، بیروت: دار المكتبة الإحياء، الطبعة الاولى.

قرافی، احمد (١٤٢٩). *الفروق و أنوار البروق*، اربیل: دار الإسلام، الطبعة الاولى.

قرطبی، محمد (١٣٨٤). *الجامع لأحكام القرآن*، القاهرة: دار الكتب، الطبعة الثانية.

قرطبی، محمد (١٤٢٥). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، قاهره: دار الحديث، الطبعة الثانية.

کاسانی، ابو بکر (١٤٢٤). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الثانية.

کلینی، محمد (١٤٠٧). *الکافی*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.

مالک ابن انس (١٤٠٦). *موطأ*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الاولى.

ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد (١٤١٩). *الحاوی الكبير فی فقه مذهب الإمام الشافعی*، بیروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

آثار شرعى مترتب بر مدت حمل در مذاهب اسلامى / ١٣٣

مجلسى، محمد باقر (١٤٠٤). *مرآة العقول فى شرح أخبار آل الرسول*، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثانية.

مرداوى، علاء الدين (١٤١٨). *الإنصاف فى معرفة الراجح من الخلاف*، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الطبعة الثانية.

مرعشى نجفى، سيد شهاب الدين (١٤١٥). *القصاص على ضوء القرآن والسنة*، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، چاپ اول.

مزنى، اسماعيل (١٤٢٠). *مختصر المزنى*، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الاولى.

مغنية، محمد جواد (١٤٢١). *الفتاوى على مذاهب الخمسة*، بيروت: دار الجواد، الطبعة العاشرة.

مفيد، محمد (١٤١٣). *المقنعة*، قم: كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد، چاپ اول.

ملطى، يوسف (١٤٠٢). *المعتصر من المختصر من مشكل الآثار*، بيروت: عالم الكتب، الطبعة الاولى.

نجفى، محمد حسن (١٣٦٢). *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*، بيروت: دار إحياء التراث العربى، الطبعة السابعة.

نورى، حسين (١٤٠٨). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بيروت: مؤسسة آل البيت (ع)، الطبعة الاولى.

واحدى، على بن احمد (١٤١٥). *الوجيز فى تفسير الكتاب العزيز*، دمشق: دار القلم، الطبعة الاولى.

واسطى حسینی، سيد محمد مرتضى (١٤١٤). *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة الاولى.